

نقش نظریه خبرپردازی در ایجاد انگیزه یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

میثم سلطانی^۱ | محمد حیدر یعقوبی^۲

چکیده

نظریه خبرپردازی و ایجاد انگیزه در یادگیری و پیشرفت تحصیلی، دو مفهوم مهم در روانشناسی تربیتی است. سؤال اصلی تحقیق این است که نظریه خبرپردازی چه نقشی در ایجاد انگیزه و پیشرفت تحصیلی فراگیران دارد؟ نظریه خبرپردازی بررسی روند پردازش اطلاعات در مغز انسان را مورد توجه قرار می‌دهد و انسان با درک فرایند خبرپردازی، می‌تواند مهارت‌های خود در این زمینه را تقویت کند. از سوی دیگر، ایجاد انگیزه مهم‌ترین عامل در پیشرفت تحصیلی و یادگیری موفق است. انگیزه، نیروی درونی است که انسان را به راهنمایی و تلاش برای دستیابی به اهدافمان ترغیب می‌کند و در نتیجه به یادگیری و پیشرفت تحصیلی بهتر منتج می‌شود. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و روش جمع‌آوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای است. در این تحقیق به نظریه خبرپردازی، انگیزه، یادگیری و پیشرفت تحصیلی پرداخته شده و در نتیجه می‌توان بیان کرد که با ترکیب نظریه خبرپردازی و ایجاد انگیزه، می‌توان یادگیری و پیشرفت تحصیلی قابل توجهی را تجربه کرد. درک فرایند خبرپردازی و استفاده از راهکارهای انگیزشی مناسب، از جمله تنظیم و برنامه‌ریزی مناسب، استفاده از روش‌های یادگیری مؤثر و تمرین مداوم، می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و پیشرفت در یادگیری کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نظریه خبرپردازی، انگیزه، یادگیری، پیشرفت تحصیلی، حافظه

۱. ماستری علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه المصطفی، کابل، افغانستان

ایمیل: maisamsultani53@gmail.com

۲. دکترای برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: mhyaqobi32@gmail.com

مقدمه

نظریه خبرپردازی یک مفهوم روانشناختی است که درک و فهم فرایند خبرپردازی انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نظریه بر این اصل تمرکز دارد که چگونه اطلاعات دریافتی توسط مغز ما پردازش می‌شود و به چه صورت اطلاعات را تفسیر و تحلیل می‌کنیم. با درک عملکرد خبرپردازی، می‌توانیم مهارت‌های خود در این زمینه را تقویت کرده و عملکرد تحصیلی خود را بهبود بخشیم.

یکی از عوامل اساسی در تحقق پیشرفت تحصیلی و یادگیری موفق، ایجاد و حفظ انگیزه است. انگیزه، نیروی درونی است که ما را به راهنمایی و تلاش برای دستیابی به اهدافمان ترغیب می‌کند. برای داشتن انگیزه قوی در فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی، باید احساس کنیم کارهایی که به آن‌ها مشغول هستیم، معنادار و ارزشمند هستند و باعث رشد و پیشرفت ما می‌شوند. انگیزه می‌تواند از منابع مختلفی نشأت بگیرد؛ منابعی مانند ارتباط با اهداف شخصی، علاقه به موضوعات یا مواد درسی، قدرت بینش و خودپنداره مثبت، ارزش دانش و تحصیلات و همچنین نتایج مثبت و پاداش‌هایی که از پیشرفت تحصیلی به دست می‌آید. علاوه بر این، ایجاد یک محیط پشتیبان و انگیزشی مانند معلمان و همکاران هم می‌تواند به تقویت انگیزه و پیشرفت تحصیلی کمک کند.

یادگیری و پیشرفت تحصیلی نیز نیازمند فرایند سیستماتیک و هدفمند است. در این فرایند، اهمیت تنظیم و برنامه‌ریزی مناسب، استفاده از روش‌های یادگیری مؤثر، تمرین و مرور مداوم و ارزیابی پیشرفت شخصی دارد. با ترکیب این عوامل و تمرکز بر بهبود مهارت‌های خود در خبرپردازی و فرایند یادگیری، می‌توان پیشرفت تحصیلی قابل توجهی را تجربه کرد. در این راستا، درک و فهم نظریه خبرپردازی، می‌تواند در بهبود مهارت خبرپردازی به ما کمک کند. ما با درک فرایند خبرپردازی و عملکرد ذهنی خود، می‌توانیم بهترین راهکارها و استراتژی‌ها را برای پیشرفت تحصیلی خود پیدا کنیم.

در نهایت، توجه به عواملی مانند محیط یادگیری، استفاده از منابع مناسب، همکاری



با دیگران و استفاده از ابزارهای فناوری نیز می‌تواند در بهبود عملکرد تحصیلی شما مؤثر باشد. از طریق ایجاد انگیزه قوی، تمرین مداوم و استفاده از راهکارهای مطرح شده در نظریه خبرپردازی، می‌توانیم پیشرفت قابل توجهی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی خود را تجربه کنیم. نظریه‌های روانشناسی در ساحه یادگیری و تربیتی از سوی دانشمندان زیادی مطرح شده که یکی از این نظریه‌ها در ساحه یادگیری به شکل الگو، نظریه پردازش اطلاعات یا همان خبرپردازی است. این نظریه فرایند یادگیری انسان را با تمرکز به حافظه و فرایند یادسپاری و ویژگی‌ها آن بررسی می‌کند. در این دیدگاه موضوع ذهن (حافظه) مطرح است و به همین خاطر در زمره روانشناسی شناختی به حساب می‌آید و ما اینجا این نظریه را به بحث می‌گیریم تا در قسمت ایجاد انگیزه و یادگیری در آن را به تحلیل بگیریم.

۱. پیشینه تاریخی خبرپردازی و حافظه

در سال ۱۹۴۹ کلود آی شانون که در آزمایشگاه تلفن بل کار می‌کرد و وران ویور که در بنیاد راکفلر مشغول کار بود، در جستجوی راه‌های بودند تا کیفیت پیام‌ها را از لحظه ارسال تا زمان دریافت پیام بهبود بخشند. کار این دو نفر را آغاز نظریه خبرپردازی می‌دانند. (السون، هرگنهان، ۱۳۹۰: ۴۳۵) موضوع بررسی روانشناسان در این دیدگاه، ذهن انسان است. با استفاده از اصطلاحات مربوط به کامپیوتر، بیانی متفاوت در تحلیل و تبیین فرایند یادگیری به کار می‌رود. این ترکیب، حوزه مطالعاتی جدیدی را به وجود آورده که با نگرش نو و پویاتر از گذشته، در پی تشریح فرایندهای مربوط به یادگیری است. (کدیور، ۱۳۹۶: ۲۱۱) در الگوی پردازش اطلاعات، کامپیوتر وسیله‌ای است که فرایند یادگیری انسان را نشان می‌دهد. ذهن انسان مانند کامپیوتر، اطلاعات را می‌گیرد، برای تغییر در شکل و محتوای آن عملیاتی صورت می‌دهد، اطلاعات را ذخیره می‌کند و به هنگام نیاز، آن اطلاعات را بازیابی می‌کند و در صورت لزوم، پاسخ‌های مورد نیاز را ارائه می‌دهد.

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی نظریه اطلاعات برودبنت که اطلاعات را نظامی جریانی در نظام شناختی فرد در نظر می‌گرفت، دنبال شد. شناخت شامل مجموعه‌های متوالی

از مراحل پردازش است. زمانی که محرکی ارائه می‌شود، پردازش‌های ادراکی پایه صورت می‌گیرد. سپس پردازش‌های توجه به دنبال آن می‌آید که برخی از محصولات پردازش ادراک اولیه را به حافظه کوتاه مدت منتقل می‌سازد، سپس تکرار و تمرین اطلاعات نگهداری شده در حافظه کوتاه مدت را به حافظه بلند مدت منتقل می‌کند. (نوری، ۱۳۹۴: ۸)

در این دیدگاه، پردازش شامل سه مرحله است: رمزگردانی (بازنمایی اطلاعات)، ذخیره‌سازی (حفظ اطلاعات) و بازیابی (دستیابی به اطلاعات در صورت لزوم. (کدیور، ۱۳۹۶: ۱۳۸) یکی از ویژگی‌های مهم این نظریه‌ها آن است که علاوه بر یادگیری، یادداری و فراموشی را نیز توضیح می‌دهند. در حقیقت، این نظریه‌ها بر قسمت نسبتاً پایدار تعریف یادگیری تأکید می‌کند. این نظریه‌ها عموماً نحوه توجه انسان به محیط، به رمز در آوردن اطلاعات و ربط دادن آن‌ها به اطلاعات موجود در حافظه، ذخیره‌سازی اطلاعات در حافظه و بازیابی اطلاعات از حافظه را به هنگام نیاز، مورد بحث قرار می‌دهد. (سیف، ۱۳۹۴: ۱۹۴)

۲. رویکرد پردازش اطلاعات

در دهه‌های بعد از میانه قرن بیستم، با گسترش انقلاب شناختی، شناخت‌گرایی به تدریج جانشین رفتارگرایی شد. شناخت‌گرایان با حفظ سنت عینیت خواهی و روش‌های تجربی دقیق، برخلاف رفتارگرایان کلاسیک از دو باور دفاع کردند:

۱. روانشناس می‌تواند برای توجیه رفتار به پدیده‌های ذهنی و درونی رجوع کند.
۲. انسان‌ها و دیگر ارگانیسم‌های زنده در معنایی، نظام پردازشگر اطلاعاتند؛ زیرا اطلاعات را توسط گیرنده‌های حسی خود دریافت و ثبت می‌کنند، آن‌ها را مورد پذیرش قرار می‌دهند و سپس در موقع لزوم به آن‌ها رجوع می‌کنند تا مسئله‌ای را که با آن روبرو شده‌اند، حل نمایند.

مفهوم پردازش اطلاعات در آغاز در حوالی سال‌های ۱۹۶۰ میلادی با تأثیرپذیری از نظریه اطلاعات، در زمینه نظام فیزیکی ارتباطات از طرف روان‌شناسان شناختی به کاربرده شد و بیانگر این بود که ارگانیسم انسانی روی تجسم‌های درونی و ذهنی



خود عملیاتی به صورت کامپیوتر انجام می‌دهد. اطلاعات از لحظه ارائه به حواس در مرحله درون‌داد تا پاسخ‌های رفتاری در مرحله برون‌داد، به طور فعال کدگذاری می‌شود و تغییر شکل و سازمان می‌یابد.

۳. نظریه‌های خبرپردازی

۳-۱. نظریه سه مرحله‌ای

یکی از نظریه‌های با سابقه و شناخته شده خبرپردازی، به نظریه یا الگوی سه مرحله‌ای اتکینسون^۱ و شفرین^۲ شهرت دارد. عناصر کلیدی در این نظریه یادگیری، یادسپاری و به یادآوری است که ابتدا محرک‌های محیطی، مانند نور و صدا، حرارت، بو، و غیره به وسیله گیرنده‌های حسی مختلف چون چشم، گوش، پوست، بینی و جز این‌ها دریافت می‌شوند و برای مدتی کوتاه (حدود ۱ الی ۳ ثانیه) در ثبت حسی ذخیره می‌شود و ما از طریق فرایند توجه و ادراک از وجود این محرک‌ها آگاهی پیدا می‌کنیم. این مدل تحت عنوان مدل مخزن نیز گفته شده است. اصطلاح مخزن از این باور منشأ گرفته است که اطلاعات در سه واحد نظام که عبارتند از مخازن دریافت حسی، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت، اخذ، پردازش و حفظ می‌شوند. (سیف، ۱۳۹۴: ۱۹۴)

۳-۲. نظریه سطوح پردازش

واضعان اصلی این نظریه کریک و لاکهارت هستند. این نظریه بیان می‌کند، هرچه اطلاعات عمیق‌تر پردازش شوند به همان نسبت معنادارتر می‌شوند. سطوح پردازش توضیح دیگری برای حافظه‌های گوناگون است. اطلاعاتی که پردازش نمی‌شوند، تنها یک تأثیر حسی موقتی از خود برجای می‌گذارند: حافظه حسی؛ اطلاعاتی که فقط تکرار می‌شوند، یعنی به طور سطحی پردازش می‌شوند و برای چند ثانیه قابل دسترسند. حافظه کوتاه مدت؛ اطلاعاتی که بیشتر پردازش می‌شوند، به حافظه درازمدت راه می‌یابند. (اسلاوین، ۲۰۰۶: ۲۱۴) نظریه سطوح پردازش رقیب نظریه

1. Richard J.C. Atkinson

2. Richard shiffirin

مراحل سه گانه است. چنانکه در سه مرحله همه اطلاعات در سه سطح بود، ولی به باور تیوری پردازان پردازش اطلاعات و محرک‌های محیطی در چندین سطح پردازش می‌شوند، نه اینکه از چند مرحله یا حافظه مختلف می‌گذرند. (السون، هرگنهان، ۱۳۹۰: ۴۶۴)

۳-۳. نظریه رمز دوگانه

نظریه دیگری که به نظریه سطوح پردازش نزدیک است، نظریه رمز دوگانه نام دارد که توسط پایویو (۱۹۸۶) ارائه شد. در این نظریه، گفته می‌شود که حافظه درازمدت از دو حافظه متمایز تشکیل می‌شود که یکی اطلاعات کلامی و دیگری تصویر ذهنی را در خود ذخیره می‌کند. به عنوان مثال، اشیا یا رویدادهای عینی مانند حیوانات و درختان یا تجارب تعطیلات یا دیدار از موزیم، به صورت تصاویر ذهنی ذخیره می‌شود. امور انتزاعی مانند حقیقت، عدالت و امثال آن، به صورت کلامی ذخیره می‌شود. همچنین بعضی اموری که دارای هردو ویژگی عینی و انتزاعی است، مانند خانه، احتمالاً به هردو صورت تصویری و کلامی در حافظه ذخیره می‌شود. (سیف، ۱۳۷۹: ۲۰۹)

۳-۴. نظریه پردازش توزیع موازی

طبق این نظریه یا الگوی پردازش، توزیع موازی که واضعان آن لواندفسکی^۱ و مورداک^۲ هستند، برخلاف الگوی اتکنسیون و شیفرین که بیان شد، اطلاعات در هر سه حافظه حسی، کوتاه مدت و درازمدت هم‌زمان پردازش می‌شوند؛ بدین معنا که هر سه بخش حافظه آدمی اطلاعات واحدی را باهم پردازش می‌کند. به عنوان مثال هنگام خواندن مطالب حاضر، شما به این صورت عمل نمی‌کنید که ابتدا به یک یک حرف‌ها نگاه کنید، بعد آن‌ها را به صورت کلمات و معانی درآورید، آنگاه در حافظه کوتاه مدت بر روی آن‌ها کار کنید تا اینکه آن‌ها را به حافظه درازمدت بفرستید. (السون، هرگنهان، ۱۳۹۰: ۴۶۶)

1. L. A. Lewandowski

2. H. B. Murdock



۳-۵. نظریه پیوندگرایی

این نظریه از دیگر نظریه‌های خبرپردازی جدیدتر است و کسانی زیادی (از جمله بیتس^۱ و المان^۲ ۲۰۰۲) در پدید آوردن آن سهم داشته‌اند. اندیشه اصلی نظریه پیوندگرایی این است که دانش در مغز به صورت شبکه‌ای از پیوندها ذخیره می‌شود، نه به صورت نظامی از قواعد یا مخزنی از اجزای اطلاعاتی پراکنده. (اسلاوین، ۲۰۰۶: ۲۱۵)

۴. حافظه و انواع آن

ارائه تعریف جامع از حافظه که بتواند همه جنبه‌های آن را پوشش دهد یا توضیحی آن قدر ساده و روان که بتواند همه موارد را دربر گیرد، دشوار است. این دشواری از پیچیدگی و رمزآلود بودن حافظه نشئت می‌گیرد. تا هنوز اسرار زیادی از حافظه کشف نشده است، ولی دانشمندان درصدد کشف آن‌ها هستند و تا حدودی نظریه پردازی شده و موفقیت‌هایی هم به دست آمده است. (اسدورو، ۱۳۹۳: ۲۸۸) حافظه به معنای قوه شناخت، عصبی برای رمزگشایی، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات است. این تعریف بیان کننده این است که حافظه صرف یک فعالیت ذهنی مبنی برگزیده است و از طریق آن آنچه در گذشته رخ داده است را به یاد می‌آوریم. (غلامی و خزاعی، ۱۳۰)

قرن‌ها پیش افلاطون حافظه را به قفس پرندگان تشبیه کرد و گفت: «یادگیری یک حافظه جدید است؛ مانند اضافه کردن پرندۀ جدید به مجموعه پرندگان قبلی موجود در قفس. درحالی‌که یادآوری (بازیابی) یک حافظه مانند گرفتن یک پرندۀ معنا از داخل قفس است». (نوری، ۱۳۹۴: ۲۲) هرچند برداشت افلاطون مکانیکی است و امروز مورد قبول نیست؛ اما این امکان را پدید آورد که تمایز مهمی بین سه مرحله حافظه وجود دارد.

تا یک دهه پیش، روانشناسان عموماً تصور می‌کردند که برای نگهداری تمام مطالب، نظام حافظه واحدی دست‌اندرکار است؛ اما شواهد جدید نشان می‌دهد

1. Elizabeth Bates
2. Harold Ahlmann



که این فرض نادرست است. به نظر می‌رسد به‌ویژه برای ذخیره‌سازی اطلاعات (از قبیل اسم نخست‌وزیر فعلی) و مهارت دوچرخه‌سواری، حافظه درازمدت متفاوتی را به کار می‌گیریم. اگرچه حافظه جزء اساسی‌تر و جزء سازنده یادگیری است؛ یعنی اگر ارگانیزم هیچ حافظه‌ای نداشته باشد، در این صورت توانایی یادگیری هم نخواهد داشت. در تبیین عصب‌شناختی این تفاوت باید گفت که یادگیری، فرایند تشکیل یک سیستم عصبی جدید یا پیدایش یک شکل فعالیت تازه در سیستم عصبی است و حافظه، نگهداری یکی از این دو یا توان راه‌اندازی دوباره فعالیت موردنظر است. (بویژه، آردیلا، غروی، ۱۳۹۴: ۵۱۳)

حافظه از بعضی جهات مرکز شناخت است. بدون حافظه شناخت چندان معنایی ندارد؛ زیرا هیچ‌کدام از محصولات آن باقی نخواهد ماند. روانشناسان بین سه نوع حافظه تمایز قائلند: (ماسن و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴۹)

۴-۱. حافظه حسی

این نوع حافظه، مخزن نگهداری موقتی اطلاعات حسی ورودی است. با افزایش سن تغییر چندانی در حافظه حسی پدید نمی‌آید. (پاپالیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶۴)

وقتی محرکی به‌نظام حافظه عرضه شود، بلافاصله در داخل ابعاد حسی مناسب ثبت می‌گردد که محرک‌های حسی بویایی نمونه بارز آن است. (نوری، ۱۳۹۴: ۱۱۴)

۴-۲. حافظه کوتاه‌مدت

اطلاعات انتقال‌یافته به حافظه کوتاه‌مدت به یکی از سه شکل: رمز دیداری (تصاویر)، رمز شنیداری (صداها) یا رمز معنایی بازنمایی می‌شوند. ما معمولاً اطلاعات را حتی زمانی که اطلاعات دیداری است، به شکل صدا رمزگذاری می‌کنیم. این مسئله در جریان یک بررسی که در آن مجموعه‌های شش‌تایی از حروف به آزمودنی‌ها نشان داده می‌شد و آن‌ها بلافاصله سعی در یادآوری آن‌ها می‌کردند، به اثبات رسید. (السون، ۱۳۹۰: ۴۵۹)



۳-۴. حافظه درازمدت

این حافظه همه اطلاعات را برای دائمی و یا درازمدت، ذخیره می کند و هر وقتی بخواهیم آن ها را می توانیم به یاد بیاوریم. (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۸)

۵. پیشرفت تحصیلی

در مورد پیشرفت تحصیلی تعاریف گوناگونی وجود دارد، از جمله: پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت شاگردان در یک یا چند موضوع درسی (مثل درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی) چنین پیشرفت هایی توسط آزمودن های میزان شده تحصیلی، اندازه گیری می شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در صنف، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می شود، دلالت دارد. (کاشفی، ۱۳۹۱: ۴۹)

پیشرفت تحصیلی به جلوه ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی شاگردان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می توان ملاک های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آن ها میانگین نمرات است. (جمشید زهی، ۱۳۹۸: ۳۸۲)

پیشرفت تحصیلی عبارت است از مسئول نهایی فرایند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت های تربیتی انجام می گیرد همچنین، سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه ها و درجات گوناگون دارد و برحسب مقدار پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه گیری می شود. (بیابان گرد، ۱۳۷۸: ۲۳)

از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش مفهوم «انجام تکالیف و موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص» یا «موفقیت دانش آموزان در امر یادگیری مطالب درسی» استفاده می شود. (پورشافعی، ۱۳۷۰: ۱۲)

۱-۵. اهمیت پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی شاگردان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی تعلیم و تربیت

است. تمام کوشش‌ها در این نظام، درواقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن بدین امر است. به‌طور اعم کل جامعه و به‌طور اخص نظام تعلیم و تربیت، نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز آنان، جایگاه آن‌ها در جامعه علاقه‌مند و نگران است و انتظار دارد شاگردان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، چنان‌که باید پیشرفت کنند. (پورشافعی، ۱۳۷۰: ۴۰)

محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی شاگردان دخیل دانسته‌اند؛ اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی‌توان به‌عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود؛ زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به‌طور اخص در یک جامعه بر شکست یا پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. منابع موجود نشان می‌دهد که آموزش به‌طورکلی، تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزشگر، برنامه، تجهیزات و محیط یادگیری است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشد. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۵۴۹)

۵-۲. نظریه‌های پیشرفت تحصیلی

انگیزش مانند یادگیری مستقیماً قابل مشاهده نیست. یک متغیر فرضی است که روانشناسان آن را از راه مشاهده رفتار ارگانیسم استنباط می‌کنند. از آنجا که انگیزش جنبه فرضی و استنباطی دارد تعبیر مختلفی از آن به‌دست آمده و به‌گونه‌های مختلف تفسیر شده است. این که چند نوع انگیزه داریم و این انگیزه‌ها، چگونه باهم ارتباط دارند و چگونه باعث برانگیختن ارگانیسم می‌شود؟ پاسخ به این گونه سؤالات منجر به معرفی نظریه‌های انگیزش گوناگون برای توصیف و تبیین مفاهیم انگیزش شده است که در اینجا تعدادی از این نظریه‌های انگیزش در ارتباط با یادگیری مطرح می‌شود. الف. نظریه انگیزشی مازلو^۱: نظریه او مبتنی بر این مفهوم است که ارضای نیازها

1. Abraham Maslow



زیربنای رشد است. از نظر مازلو مهم‌ترین خصوصیت انگیزشی، تنها اصل کلی که علایق متنوع انسان را به یکدیگر پیوند می‌دهد، گرایش به نیاز جدید و بالاتر است که با ارضای نیازهای پایین‌تر ظهور می‌کند و انگیزه افراد مستقیماً برخاسته از نیازهای آن‌ها است. لذا انسان در رفتار خویش به ارضای نیازهایش گرایش دارد. (شکوهی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

ب. نظریه انگیزش پیشرفت: این نظریه بر نقش هدف در موفقیت و شکست دانش‌آموزان تأکید دارد. پژوهش‌های پژوهش‌گران بر مبنای این نظریه حاکی از آن است که افراد از لحاظ نیاز به پیشرفت با هم تفاوت دارند. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود برای کسب موفقیت می‌کوشند. دیگران انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. (صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۵۳)

ج. نظریه اتکینسون: اتکینسون معتقد بود انگیزش برای دستیابی به موفقیت تحت تأثیر احتمال موفقیت و جذابیت آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام کارخانگی (تلاشی) به این موضوع بستگی دارد که در باور او احتمال موفقیت انجام آن کارخانگی تا چه اندازه است و اگر به هدف نائل شود، آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر؟ بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن اهداف کارخانگی بر اساس توانایی‌های فردی شاگردان احساس موفقیت و تلاش را در آن‌ها ایجاد نمود. همچنین وقتی شاگردان صنف خود را جذاب و تسهیل‌کننده رشد خویش ببینند کارهای خانگی را ترجیح می‌دهند که آن‌ها را به چالش فراخواند و صنف خود را بیشتر دوست خواهند داشت. البته باید شاگردان تشویق شوند که برای رشد خویش تلاش کنند و به یک انگیزش درونی برای کسب موفقیت دست یابند. در این صورت برای کسب موفقیت دست به تلاش جدی می‌زنند. (بیابان‌گرد، ۱۳۷۸: ۴۵)

۳-۵. راه‌های پیشرفت تعلیمی

الف. مشخص کردن هدف: وقتی در کاری هدف مشخصی نداشته باشید، مسلماً مسیرتان هم نامشخص خواهد بود. این همان تیر به تاریکی زدن است و قصه

مسافری است که اولین بار بدون وسیله مسیریابی، راه می‌افتد و دچار سردرگمی می‌شود. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۴۹) در تعلیم و تربیه نیز وضع همین است انتظار این را نداشته باشید که بتوانید به آن اهدافتان برسید! چون قطعاً نمی‌توانید. (جان مارشال، ۱۳۹۳: ۴۳۲)

ب. جملات انگیزشی تعلیمی: یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به موفقیت در هرکاری، انگیزه دادن به خود است و دقیقاً بهترین راه برای انگیزه دادن هم خواندن جملات انگیزشی در رابطه با آن موضوع است. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۴۹)

ج. باور به خود: وقتی به خودت باور داشته باشی و قبول کنی که می‌توانی هر کاری را که بخواهی انجام دهی، پس قطعاً می‌توانی. شما خود به خودت موفقیت را دیکته می‌کنی. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۴۹)

د. پشتکار و اراده: هر جا که می‌خواهیم مهارتی را یاد بگیریم یا به هدفی برسیم، به همان می‌گویند تلاش کن و پشتکار داشته باش تا به هدفت برسی. اولین قدم برای رقم خوردن اتفاقی، پشتکار و اراده و تلاش است. تا تصمیم نگیری و روی آن مصمم نباشید، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۴۸)

ه. کنترل استرس: البته استرس تا حدی طبیعی است؛ اما فقط تا حدی. بعضی از شاگردان، بیش از حد استرس و اضطراب بر آن‌ها چیره می‌شود و نمی‌گذارد در درسشان پیشرفتی داشته باشند. تا زمانی که شما مدیریت استرس را یاد نگیرید، پیشرفت تعلیمی هم در انتظارتان نخواهد بود. (صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۵۶)

و. برنامه‌ریزی درسی مناسب: قطعاً یکی از اصلی‌ترین راه‌های رسیدن به موفقیت در هر زمینه‌ای، داشتن برنامه‌ریزی اصولی و مناسب است. البته ممکن است برنامه هر کس با فرد دیگر متفاوت باشد و نتوان یک نوع برنامه‌ریزی را برای همه پیشنهاد داد؛ اما بهترین نوع برنامه‌ریزی، روزانه است. (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۴۶)

ز. مقایسه نکردن خود با دیگران: شاگردانی که مدام خود را با دیگران مقایسه می‌کنند سبب می‌شود تا عزت نفس خود را پایین بیاورند و دچار افت تحصیلی شوند. دلیل این کار، عدم درک درست از توان و تفاوت‌های فردی دیگران است و



اینکه من باید مثل فلان می بودم، بینش غلطی است. (صلح جو، ۱۳۹۷: ۵۹)

۴-۵. عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت تحصیلی

الف. هدف: هدف عبارت است از نتیجه ای که یک فرد برای دستیابی به آن کوشش می کند، هرچه اهداف مشخص شده، درجه دشواری متوسطی داشته باشند و دسترسی به آن ها در آینده نزدیک میسر باشد، انگیزش و پیگیری بیشتری به همراه دارند. (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۳۹) اگر شاگردی در انتخاب هدف خود مشکل دارد، باید به او کمک کرد تا بتواند هدفی برای خود انتخاب کند. مثلاً با نشان دادن الگوهای موفق به او، می توان مسیر تحصیلی شاگردان را مشخص کرد و به آن ها انگیزه بخشید. خصوصاً در سنین نوجوانی که معمولاً با سردرگمی هویتی همراه است و خیلی از شاگردان بیش از اینکه بخواهند وقت خود را برای مطالعه بگذارند، ترجیح می دهند وقت خود را با همسالان خود بگذرانند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۶۵)

ب. علایق: سطح انگیزه تحصیلی شاگردان با علایق آن ها نیز در ارتباط است. طبق تحقیقات انجام شده، علاقه اندک به درس باعث افت انگیزه شاگردان می شود. بخش عمده علاقه مند کردن شاگردان به درس بر عهده معلمان است که با روش های خلاقانه تدریس، می توانند شاگردان را به درس و مکتب علاقه مند کنند. (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۹۰) عوامل زیادی در بی علاقه شاگردان، به مکتب و درس وجود دارد. مثل سختگیری های بیش از حد والدین، رفتارهای بد معلمان، تنبیه و سرزنش بیش از حد و... در مقابل عوامل خیلی ساده ای در شکل گیری علاقه شاگردان به معلم، مکتب و مطالعه کردن وجود دارد. البته تشویق کلامی که گاهی برخی از معلمان خیلی کم از آن استفاده می کنند، تأثیر بسیاری در ایجاد علاقه تحصیلی در شاگردان نسبت به مسائل تحصیلی دارد. (محمدی، ۱۳۹۷: ۳۶)

د. خودپنداری ها: انگیزش تحصیلی شاگردان متأثر از خودپنداری های آنان نیز است. اینکه شاگردان چه تصویری درباره خود و استعدادها و توانایی های فردی و کارآمدی خود دارند، در تعیین هدف و میزان موفقیت و شکست آن ها مؤثر است. (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۹۲) باورهای خودکارآمدی افراد چگونگی احساس، تفکر، رفتار



کردن و به‌طورکلی پیشرفت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند و به توانایی‌هایشان به انجام کار باور دارند، در فعالیت‌ها بیشتر شرکت می‌کنند تا افرادی که خودکارآمدی پایینی دارند و توانایی‌هایشان را قبول ندارند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۳)

۶. انگیزه و انواع آن

انگیزه حالت درونی است که باعث می‌شود یک نیاز ارضا شده، تنش ایجاد کند و در نتیجه در درون فرد، نوعی پویایی به وجود می‌آورد. این پویایی موجب بروز نوعی رفتار کوششی در فرد می‌شود و او در پی تأمین اهداف ویژه‌ای برمی‌آید. اگر آن اهداف را تأمین کند، نیاز مزبور ارضا می‌شود و در نتیجه تنش کاهش می‌یابد، ولی از آنجا که رفتار فرد در سازمان مورد نظر ما است، فعالیت‌هایی که در جهت کاهش می‌یابد، تنش صورت گرفته باید در راستای هدف‌های سازمان باشد. بنابراین در تعریفی که از انگیزش داریم این معنا هم گنجانده شده که نیازهای فرد با هدف‌های سازمان سازگار است و هیچ مغایرتی با آن‌ها ندارد. اگر چنین وضعی وجود نداشته باشد فرد یا کارگر تلاش و کوشش زیادی می‌نماید که در واقع در جهت مخالف منافع سازمان صورت می‌گیرد و نکته جالب اینجاست که این نوع کوشش‌ها و تلاش‌ها چیز غیرعادی نیستند. (سیف، ۱۳۹۶: ۱۲۳)

۷. یادگیری و نظریه‌های آن

یادگیری در حقیقت مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که در قالب‌هایی چون نگرش‌های نو، حل مسئله، کاربرد معلومات در استدلال و تفکر به وجود می‌آید. به عبارت دیگر یادگیری فرایند است که در آن رفتارها و پندارهای افراد تغییر می‌یابد و به‌گونه‌ای دیگر می‌اندیشند و عمل می‌کنند. یادگیری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه تغییرات نسبتاً دائم در رفتار که در اثر یک تجربه مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد می‌شود». بسیاری از محققان معتقدند یادگیری تغییری است که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می‌آید. (کدیور، ۱۳۹۶: ۱۶۵)



۱-۷. نظریه رفتاری

بنیان‌گذار این مکتب واتسون در سال، (۱۹۱۳) بود. این مکتب بر مبنای جهان‌بینی تجربه‌گرایی، معتقد است که تجربه تنها منبع اصلی دانش و یادگیری است. برای روان‌شناسان رفتاری موضوع مهم علم روان‌شناسی، رفتار آشکار است و کسب رفتار را غالباً فرایندهای شرطی‌سازی توضیح می‌دهند. این روان‌شناسان به اهمیت تمرین، تقویت و مجاورت در یادگیری تأکید دارند. این‌ها معتقدند که یادگیری، سازمانی دائماً خودش را به نحو تغییر می‌دهد که هدف موفقیت مجموعه‌سازمانی به نحو مطلوب‌ترین اطلاعات را جمع‌آوری، مدیریت و استفاده کنند. (السون، هرگنهان، ۱۳۹۰: ۷۸)

۲-۷. نظریه شرطی کردن عامل

در نظریه شرطی کردن عامل چنین استدلال می‌شود که رفتار تابع نتایج آن است. افراد یادگیرنده که در پیش گرفتن یک رفتار چیزی را که مایلند یاد بگیرند یا از چیزی که نمی‌خواهند، دوری گزینند. رفتار عامل به معنای رفتار داوطلبانه فراگرفته شده است که در مقابل رفتار واکنشی یا رفتار فراگرفته نشده قرار می‌گیرد. گرایش به تکرار چنین رفتاری تحت تأثیر تقویت یا عدم تقویت منتج از عواقب آن رفتار است. بنابراین تقویت رفتار را استحکام بخشیده و احتمال تکرار آن را افزایش می‌دهد. بر مبنای کارهای اولیه انجام شده در این زمینه، پژوهش‌های روانشناسی دانشگاه هاروارد، بی اف اسکینر، دانش ما راجع به شرطی شدن عامل را گسترش داده است... اسکینر نشان می‌دهد که نتیجه مطلوب یک رفتار باعث تکرار آن می‌شود. به علاوه رفتاری که پاداش به آن تعلق نگیرد یا با تنبیه توأم باشد کمتر احتمال تکرار دارد. (درتاج، خانی، ۱۳۹۱: ۲۵۰)

۳-۷. نظریه شناختی

نظریات گشتالت، پیازه^۱، لوین، از جمله نظریات شناختی یادگیری هستند. در سال‌های اخیر گروهی از روانشناسان با تأکید بر هر دو عامل درونی و بیرونی، مکتب دیگری تحت عنوان مکتب رفتاری، شناخت و پایه‌ریزی کردند. نظریه‌های یادگیری

1. Jean Piaget



به بررسی فرایند یادگیری نمی‌پردازند، بلکه تلاش می‌کنند چگونگی یادگیری عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار دهند. امروزه دو نظریه معروف در تبیین فرایند یادگیری عرضه شده است. این دو نظریه شرطی کردن عامل و نظریه یادگیری اجتماعی است. شناختگرها در مورد یادگیری سازمانی، براین باورند که فرهنگ یادگیری سازمانی، فرهنگی است که در آن یادگیری ارزشمند تلقی شده و تشویق می‌شوند. عوامل مانع یادگیری در آن تحمل نمی‌شود، کارکنان تشویق می‌شوند تا در خلق ایده‌های جدید تلاش کنند و به‌طور مستمر فرایندهای کاری را بهبود بخشند. (سیف، ۱۳۹۲: ۲۶۴)

۸. رویکرد نظریه شناختی خبرپردازی در انگیزه و یادگیری دانش آموزان دوره ثانویه

رویکرد خبرپردازی مجموعه‌ای نظریه است که وجه اشتراک همه آن‌ها این است که یادگیری انسان را یک فعالیت مستمر پردازش اطلاعات می‌داند. این رویکرد به مطالعه راه‌هایی می‌پردازد که دانش آموزان توسط آن‌ها دانش را کسب، ذخیره و یادآوری می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند. (سیف، ۱۳۹۱: ۲۳)

یادگیری در رویکرد پردازش اطلاعات (خبرپردازی) را این گونه تعریف کرده‌اند: یادگیری، توانایی انجام ماهرانه یک تکلیف است که شامل یادآوری هدفمند و عملکرد ماهرانه است. یادگیری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تخصصی علم روانشناسی است و به‌عنوان یک اهرم قوی نقش بزرگی در گسترش علم روانشناسی ایفا نموده است. با توجه به اهمیت ایجاد علاقه در دانش آموزان، برانگیختن حس کنجکاوی، آنان و درگیر کردن آن‌ها در یک فعالیت، در مقابل استفاده از روش‌های منفعلانه، بهره‌گیری از رویکردهای یادگیری برای کمک به رشد آنان بسیار مناسب است. نقشه مفهومی به یک بازنمایی تصویری و کلامی از مفاهیم و روابط مهم میان آنان گفته می‌شود. هدف نقشه مفهومی این است که به یادگیرنده کمک نماید تا یک بازنمایی تصویر روشن از آنچه قرار است آموخته شود، درست کند. (سیف، ۱۳۸۰: ۷۸)

۸-۱. فرایند بی‌انگیزگی تحصیلی دانش آموزان دوره ثانویه

الف. مرحله اخطار: مرحله اخطار زمانی است که فرد به‌صورت ناگهانی، از تلاش



و سعی دست برمی دارد و کارهای خانگی خود را در حد انجام وظیفه به پایان می‌رساند. خلاقیت و ابتکار شاگرد کاهش می‌یابد و از نظر بدنی نیز احساس گرفتگی، خواب‌آلودگی و بی‌حوصلگی می‌کند. (ماجدی، ۱۳۹۶: ۱۹۰)

ب. مرحله بی‌انگیزگی نسبی (بی‌میلی تحصیلی): در این مرحله شاگرد به انجام ناقص کارهای خانگی روی می‌آورد. ضمن آنکه ارتباطش با معلمان و کادر آموزشی مکتب ضعیف است، معمولاً حضورش در مکتب نیز به‌طور منظم و مرتب نیز صورت نمی‌گیرد. نمرات تحصیلی او در حد متوسط یا پایین‌تر است. علل بی‌میلی و عدم رغبت تحصیلی بر فرد مشخص نیست و فرد بین علاقه و عدم علاقه به تحصیل به‌صورت نسبی در نوسان است. (محمدی، ۱۳۹۷: ۷۵)

ج. مرحله بی‌انگیزگی کامل (انزجار تحصیلی): در این مرحله شاگرد به علت کوتاهی در انجام کارهای خانگی، انباشتگی وظایف تحصیلی و مشکل شدن دروس دچار موانع و مشکلات فراوانی می‌شود. از یک‌سو سخت‌گیری والدین و معلمان و از سوی دیگر درگیری درونی شاگرد با خود، باعث می‌شود تا کاملاً انگیزه تحصیلی‌اش را از دست بدهد. (ماجدی، ۱۳۹۶: ۷۰)

د. اثرات بی‌انگیزگی تحصیلی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ثانویه: همان‌طور که گفته شد، بی‌انگیزگی تحصیلی با مکانیسم‌های روانی و بعضاً ناراحتی‌های جسمی مهمی همراه است. اگر بی‌انگیزگی تحصیلی طولانی شود، می‌تواند عوارض جسمانی و روانی زیادی به همراه داشته باشد. امروزه ثابت شده که بی‌انگیزگی تحصیلی، آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد. (محمدی، ۱۳۹۷: ۵۶)

ه. اثرات جسمانی بی‌انگیزگی تحصیلی در دانش‌آموزان دوره ثانویه: همه ما ممکن است در مقطعی از زندگی خود دچار بی‌انگیزگی تحصیلی یا شغلی شده باشیم. نکته‌ای مهم این است که اگر بی‌انگیزگی تحصیلی به‌صورت طولانی ادامه پیدا کند، واکنش بدن انسان به این تعارض‌ها (عدم علاقه تحصیلی از یک‌سو و درخواست‌های اطرافیان از سوی دیگر) او را دچار استرس و اضطراب فراوان می‌کند.



به علت استمرار این نوع از فشارها، ضعیف‌ترین اندام‌ها و دستگاه‌های بدن، دچار مشکل می‌شوند و بیماری جسمانی شروع می‌گردد. به بیماری‌هایی که بر اثر چنین فشارهایی ایجاد می‌شوند، بیماری‌های روان‌تنی می‌گویند؛ یعنی هم ریشه روانی دارند و هم ریشه جسمانی دارند مانند زخم معده، احساس کمرختی در کل بدن، فشارخون بالا. (علیپور و محمد بیگی، ۱۳۹۸: ۲۷۸)

ز. اثرات روانی بی‌انگیزگی تحصیلی در دانش‌آموزان دوره ثانویه: بی‌انگیزگی تحصیلی می‌تواند بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی متعددی را ایجاد نماید. یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که با بی‌انگیزگی تحصیلی ارتباط دارد، احساس پوچی و بی‌هدفی است که در نهایت منجر به افسردگی می‌شود. بسیاری از شاگردان از بی‌هدفی در زندگی رنج می‌برند و به علت عدم آگاهی از این مسئله، در جستجوی درمان نیستند. به همین علت روز به روز با مشکلات متعدد دیگری مواجه می‌شوند. نه تنها بی‌انگیزگی تحصیلی رابطه مستقیمی با بی‌هدفی در زندگی دارد، بلکه باعث اختلالات روانی دیگری نیز می‌شود، مانند اضطراب افسردگی و... (بیلاق و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۵)

۸-۲. عوارض اجتماعی بی‌انگیزگی تحصیلی در دانش‌آموزان دوره ثانویه

الف. فرار از مکتب: شاگردانی که از نظر تحصیلی دارای شرایط مطلوبی نیستند و از مهارت‌های زندگی و مقابله‌ای برخوردار نیستند. (علی پور و محمد بیگی، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

ب. اعتیاد: بعضی از شاگردان نمی‌دانند که در مقابل بی‌انگیزگی تحصیلی و فشارهای ناشی از درخواست‌های مسئولان مکتب و والدین چگونه برخورد کنند، به همین دلیل هنگامی که با این نوع فشارها روبه‌رو می‌شوند، بنا به توصیه دوستان و آشنایان یا بر اساس اطلاعات ناقص خود، برای کسب لذت و فرار از ناراحتی به مواد مخدر یا الکل روی می‌آورند. (بیلاق و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۳)

ج. نا به هنجاری‌های رفتاری: بعضی از شاگردان به علت عدم توانایی در حل مشکلات تحصیلی، اقدام به رفتارهای ضداجتماعی می‌کنند. نمونه‌ای از این رفتارها عبارتند از ایجاد اغتشاش در صنف، درگیری با معلم، حمل وسائل ممنوعه در مکتب،



درگیری با شاگردان و تخریب اموال مکتب. (علی پور و محمد بیگی، ۱۳۹۸: ۱۲۴)

۸-۳. عوامل بی انگیزگی تحصیلی در دانش آموزان دوره ثانویه

عواملی است که می توانند سبب بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان شود:

الف. باورها و عقاید: باورها، عقاید و انتظارات یکی از منابع مهم بی انگیزگی تحصیلی است. مثلاً شاگردی که کمال گرا است، همیشه انتظار بهترین عملکرد را از خود دارد؛ اما وقتی با شکست روبه رو می شود، روحیه خود را از دست داده و خود را با استرس سنگینی روبه رو می سازد که نهایتاً منجر به بی انگیزگی تحصیلی می شود. (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۹)

ب. عدم حمایت توسط عوامل مکتب: آنچه برای تقویت انگیزه تحصیلی شاگردان، ضرورت دارد، توجه دلسوزانه، پذیرش بدون قید و شرط، حمایت از سوی معلم و سایر کارکنان مکتب است. عدم حمایت از طرف مسئولان مکتب باعث می شود تا تلاش فرد برای درک توانمندی هایش بی نتیجه بماند. (ظهیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۵)

ج. احساس حقارت: بعضی از شاگردان به علت مشکلات متعددی که در دوران تحصیل داشته اند، احساس می کنند همیشه نسبت به شاگردان دیگر از توانمندی های کمتری برخوردارند. لذا بر این عقیده اند که تلاش آنان برای پیشرفت در تحصیل، بی نتیجه است. (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۲)

د. شرایط حاکم بر جو خانواده: بعضی از شاگردان در منزل از شرایط روانی مطلوبی برخوردار نیستند. درگیری والدین، طلاق یا کمبود امکانات زندگی، باعث می شود تا شاگرد نتواند به نحو مطلوب به ادامه تحصیل بپردازد. (ظهیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۲)

نتیجه گیری

نظریه خبرپردازی و ایجاد انگیزه در حوزه یادگیری و پیشرفت تحصیلی، مفهومی است که به بررسی رابطه بین فرایند خبرپردازی افراد و ایجاد انگیزه آن ها در فرایند یادگیری می پردازد. این نظریه مدعی است که روش های خبرپردازی فرد در تحلیل، تفسیر و بازیابی اطلاعات، تأثیر قابل توجهی در ایجاد و تقویت انگیزه و پیشرفت



تحصیلی دارد.

یکی از نتایج مهم این نظریه این است که فرایند خبرپردازی مؤثر در تشکیل انگیزه یادگیری است. وقتی فرد اطلاعات را مورد توجه و تفکر قرار می‌دهد، این فرایند می‌تواند به ایجاد انگیزه و تمایل به یادگیری بیشتر و عمیق‌تر منجر شود. مثلاً وقتی یک دانشجو درسی را فعالانه مطالعه و تحلیل می‌کند و ارتباط آن را با دانش و تجربه‌های قبلی خود برقرار می‌کند، این فرایند می‌تواند به افزایش انگیزه و تمایل به فعالیت‌های یادگیری بیشتر در آینده منجر شود. علاوه بر این، نظریه خبرپردازی و ایجاد انگیزه می‌تواند در پیشرفت تحصیلی فرد نقش مهمی ایفا کند.

با توجه به این نظریه، فرایند خبرپردازی مؤثر می‌تواند به افزایش درک و تسلط فرد بر مطالب درسی، بهبود حل مسائل و توانایی‌های شناختی و کاهش اشتباهات و خطاها منجر شود. با توجه به این نتایج، توسعه مهارت‌های خبرپردازی و تسلط بر فرایندهای ذهنی مرتبط با یادگیری می‌تواند به پیشرفت تحصیلی و عملکرد بهتر در محیط تحصیلی کمک کند.

نظریه خبرپردازی و ایجاد انگیزه نشان می‌دهد که فرایند خبرپردازی و تفاوت‌های فردی در آن، تأثیر قابل توجهی بر ایجاد و تقویت انگیزه و پیشرفت تحصیلی دارد. این نظریه به ما یادآوری می‌کند که توسعه مهارت‌های خبرپردازی و تسلط بر فرایند ذهنی مرتبط با یادگیری، می‌تواند بهبودی قابل توجه در انگیزه و پیشرفت تحصیلی داشته باشد. با توجه به این نتیجه، ارائه راهکارها و استراتژی‌هایی که به توسعه مهارت‌های خبرپردازی و ایجاد انگیزه در فرایند یادگیری کمک می‌کنند، می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و دستیابی به نتایج بهتر در تحصیلات کمک کند.

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

۱. اتکینسون، ریتال و دیگران؛ (۱۳۹۰)، زمینه روان‌شناسی، (ترجمه: حسن رفیعی و دیگران)، تهران: نشر ارجمند، چاپ پنجم، جلد دوم.
۲. اسدورو، نورافشان ام، (۱۳۹۳)، روانشناسی، (ترجمه: جهان‌بخش صادقی)، تهران: نشر سمت.
۳. اسلاوین، رابرت ای، (۲۰۰۶)، روانشناسی تربیتی: نظریه و کاربری، (ترجمه: یحیی سید محمدی)، تهران: نشر روان.
۴. بوئژه، ماریو، غروی، محمد، آردیلا، روبن، (۱۳۹۴)، فلسفه روانشناسی و نقد آن، (مترجمان: محمد عباس پور و دیگران)، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۷۸)، روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی، تهران: نشر رشد.
۶. پاپالیا، دایان ای، الدز، سالی وندکاس، فلدمن، روت داسکین، (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رشد و تحول، (ترجمه: حمید رضا سهرابی و دیگران)، تهران: نشر جوانه رشد.
۷. پورشافعی، هادی، (۱۳۷۰)، «بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت تعلیمی شاگردان سال سوم دوره متوسط شهرستان قائن»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
۸. جمشید زهی، عبدالرزاق؛ جمشید زهی، عبدالستار، (۱۳۹۸)، روش تدریس مشارکتی و پیشرفت تعلیمی شاگردان، تهران: هنر و علوم دانشگاهی.
۹. درتاج، فربرز، خانی، محمد حسین، (۱۳۹۱)، روانشناسی یادگیری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. ریو، جان مارشال، (۱۳۹۳)، انگیزش و هیجان، (ترجمه: یحیی سید محمد)، تهران: نشر ویرایش.
۱۱. السون، متیو ایچ، هرگنهان، بی آر، (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، (ترجمه: علی اکبر سیف)، تهران: نشر دوران.





۱۲. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۰)، روان‌شناسی پرورشی، تهران: نشر آگاه.
۱۳. سیف، علی اکبر، (۱۳۹۱)، روانشناسی تربیتی، بی‌جا: نشر دانشگاه پیام نور.
۱۴. سیف، علی اکبر، (۱۳۹۲)، اندازه‌گیری و ارزشیابی پیشرفت تعلیمی، تهران: نشر آگاه.
۱۵. سیف، علی اکبر، (۱۳۹۴)، روانشناسی پرورشی نوین، تهران: نشر دوران.
۱۶. شکوهی، غلام حسین، (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. صلح‌جو، رقیه، (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر پیشرفت تعلیمی شاگردان، تهران: نشر سنجش و دانش.
۱۸. عزیزیان، امین، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تعلیمی شاگردان، تهران: نشر پژوهش‌های دانشگاه تهران.
۱۹. علیپور، بیژن؛ مصطفی، محمدیگی، (۱۳۹۸)، مراحل ۲۰ گانه موفقیت تحصیلی: انگیزش تحصیلی: راه‌های ایجاد انگیزش و علاقه به مطالعه و یادگیری، تهران: دکلمه گران.
۲۰. کاشفی، عاطفه، (۱۳۹۱)، انگیزه و پیشرفت تعلیمی، تهران: راز نهان.
۲۱. کدیور، پروین، (۱۳۷۹)، روانشناسی تربیتی، تهران: نشر سمت.
۲۲. کدیور، پروین، (۱۳۹۶)، روانشناسی یادگیری، تهران: نشر سمت.
۲۳. ماجدی، مجتبی، (۱۳۹۶)، سبک‌های یادگیری و انگیزش تحصیلی، تهران: نشر گیوا.
۲۴. ماسن، پاول هنری و دیگران. (۱۳۹۵) رشد و شخصیت کودک، (مترجم: مهشید یاسایی)، تهران: نشر مرکز.
۲۵. محمدی، مریم، (۱۳۹۷)، انگیزش، تهران: نشر نروزی.
۲۶. مصطفوی، محمد، (۱۳۸۷)، روش‌های ایجاد انگیزه تحصیلی، تهران: ورای دانش.
۲۷. نوری، رضا کرمی، (۱۳۹۴)، روانشناسی حافظه و یادگیری با رویکرد شناختی، تهران: نشر سمت.

ب: مقاله‌ها

۲۸. ظهیری، اعظم، (۱۳۹۶)، ارائه مدل علی نقش مؤثر بر دانش محتوایی تربیتی و فناوری دبیران، فصلنامه علمی پژوهشی در یادگیری آموزشگاهی، شماره ۳.
۲۹. غلامی، طیب، خزاعی، زهرا، (۱۳۹۷)، نقش معرفت‌شناختی حافظه، مجله ذهن، شماره ۷۸.
۳۰. یوسفی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۰)، ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تعلیمی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱.
۳۱. بیلاق، منیجه، شکرشکن، حسن، بنابی، مبارک زهرا، (۱۳۸۴)، بررسی روابط بین موضوعی و درون موضوعی انگیزش تحصیلی، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۳.

